



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۲۸ اپریل ۲۰۲۰

بنیاد حقوق قربانیان

نهم ثور روز ملی مقاومت مسالمت آمیز جوانان افغانستان

درست ۴۰ سال قبل از امروز (نهم ثور ۱۳۵۹ هجری شمسی) متعلمین و محصلین کابل با ندا های "روسها از خاک ما بیرون شوید!" چنان لرزه بر اندام کرملین نشینان تجاوزگر و عمال خلقی- پرچمی ارگ نشین آن انداختند که آنان با سرشکستگی و سراسیمگی تمام از زمین و هوا دست به سلاح برده و نعره های آزادیخواهانه و تجاوزستیزانه متعلمین و محصلین را ددمنشانه با منطق زور و سلاح درهم کوفتند.

آنگاه که ناهید صاعد و وجیهه خالقی در پیشاپیش هزاران هزار دختران مکاتب شهر کابل با سرکشیدن نعره های دشمن سوز "الله اکبر"، "آزادی، آزادی، آزادی" و "روس ها از خاک ما بیرون شوید" به رسم اعتراض چادر های سفید شانرا به طرف عساکر و افسران رژیم حزب دموکراتیک خلق پرتاب کرده، با طعن آنان را چنین از شرم آب میگردند: "اگر شما قادر به بیرون راندن روسها نیستید، پس شما این چادر ها را به سر کنید و بگذارید که ما آنها را بیرون نماییم." اما این "اردوی قهرمان مجهز با ایدیالوژی دورانساز دیکتاتوری پرولتاریا" با استتساره باداران روسی از ترس موج خروشان تظاهرات مسالمت آمیز اما سهمناک همه توانایی شانرا از دست داده و با دستپاچگی تمام صفوف فشرده آزادیخواهان جوان را از زمین و هوا به رگبار مرگ بستند. بدین ترتیب ناهید و وجیهه اولین جوانزنانی بودند که طی این راهپیمایی های اعتراضی مسالمت آمیز از طرف نامردان انقلابی نما با خون پاک شان جاده های کابل را رنگین ساختند.

یکتن از اعضای خانواده ناهید صاعد با درد و دریغ از آن روزگاران چنین یادآور میشود: "خبر مرگ ناهید جوانمرگ به زودی سراسر شهر را فرا گرفت. جنایتکاران خلقی و پرچمی اجساد خون آلود جوانان معترض را با شتاب بجای نامعلومی منتقل نمودند، در حالیکه صدها و شاید هزاران جوان دیگر را رمه وار در وسایط نظامی بار نموده به بازداشتگاه ها و زندانهای مخوف انتقال دادند، اما بیخبر از آنکه نهم ثور دیگر در تاریخ معاصر کشور به مثابه روز مقاومت مسالمت آمیز جوانان رقم خورده و تا ابد جاودانه خواهد ماند." این مرد که فعلا در حدود ۵۶ سال عمر دارد و در آنزمان متعلم صنف دوازدهم لیسه امانی بود، در حالیکه بغض را در گلویش خفه میکند اشک هایش را با سرانگشتانش پاک کرده،

خاطراتش را چنین دنبال میکند: " پدرم نظر به شناسایی که با والی کابل داشت، دریافت که جسد بیجان ناهید در شفاخانه چهارصد بستر زندانی است. آری زندانی، زیرا اجازه دیدن و تسلیمی آنرا نداشتیم. بالاخره با وساطت والی وقت محض هشت تن از اعضای خانواده شامل مادرش اجازه یافتند تا در نیمه شب با شهید نامراد شان وداع نموده و او را با لباس خون آلودش در دل شب به خاک سپارند. آنچه هیچگاه فراموشم نمیشود زخم سر ناهید شهید بود که گلوله قسمت بالایی کاسه سرش را از هم جدا نموده بود و از آن همچنان خون جریان داشت."

مزار ناهید شهید در شهدای صالحین در آرامگاه خانوادگی اش بشکل متروک و بدور از انظار قرار دارد. امروز که چهل سال از این واقعه المناک میگذرد، کاش بخاطر یادبود از شهداء مقاومت مسالمت آمیز و ترویج مبارزه مسالمت آمیز در کشور در اعمار آبدۀ ای یادبود از این اعتراض برحق مجدانه سعی گردد. در کشوری که از دهه ها بدینسو جنگ و خونریزی چاشنی زندگی مردم آن گردیده و با مرگ جنگاوران جاده ها، مکاتب و مناطق به یادبود آنها نامگذاری میگردد، پس به پاس رشادت این چنین قهرمانانی که با دستان خالی و به دور از هرگونه رنگ تعلق به ندای وجدان عاشقانه و جانبازانه پاسخ داده و بر هر آنچه تجاوز و حق تلفی است یکسره خط بطلان کشیده اند، اعمار چنین آبدۀ ای نمایانگر یک فرهنگ متعالی و ارج گذاری به ارزش های بی بدیل میباشد. همچنان تطبیق مثنی عدالت انتقالی و ایجاد یک دادگاه ویژه جهت رسیدگی به جنایات ضد بشری و جرایم جنگی در کشور بیانگر احترام به خون پاک شهداء کشور در بیشتر از چهار دهه گذشته و گام عملی در راستای عدم تکرار و جلوگیری از جنایات ضد بشری در آینده خواهد بود. افغانستان که طی دهه های متوالی در آتش جنگ، تجاوز و نقض گسترده حقوق بشر میسوزد، ایجاد یک نهضت فراگیر اعتراض و مقاومت مسالمت آمیز برای آن دستاوردی بزرگی محسوب میشود. نهضتی که با پاسگذاری به قربانیان این دوره، در جهت تطبیق عدالت انتقالی با استواری و استقامت عمل نماید.

ای کاش همه جوانان کشور و وارثین راه و آرمان ناهید شهید با آگاهی تاریخی و علمی و ارجگذاری به ارزش های دینی و فرهنگی کشور ثابت و شعوری گام بگذارند. جوانان منحصیث یگانه نیروی که آبادی، آزادی و حفظ ارزش های این خاک تاریخی در قید امانت آنها است، باید با مسئولیت پذیری از آندم بیرهیزند که با درد و دریغ به گذشته بنگرند، چنانچه شاعری این احساس را چنین بیان داشته است:

در پی آن همه خون که بر این خاک چکید
ننگ مان باد این جان
شرم مان باد این نان
ما نشستیم و تماشا کردیم!